**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه شصت و دوم\_27 بهمن 1398**

بعد از آن که به صورت بسیار مفصل همه آراء و انظار قوم من الاخباریین و الاصولیین تبیین شد. امروز ان شاء الله آن مطلبی را که چندین بار اشارة عرض کرده بودیم و ان اثبات مسلک اضطرار است ان را توضیح می دهیم.

مقدمه اول برای اثبات مسلک اضطرار؛ مناقشاتی است که ما در همه مسالک قوم داشتیم:

1. قائلین به انفتاح باب علم که مرحوم میرزا محمد اخباری بود.
2. قائلین انفتاح باب علمی و اعتماد بر خصوص خبر ثقه که سید الخویی اعلی الله مقامه قائل بود و مقصل مورد مناقشه قرار گرفت.
3. قائلین به انفتاح باب علمی و اعتماد بر خبر موثوق الصدور که این جا ما اشکال کردیم که با وجود از بین رفتن بسیاری از احادیث چگونه ادعای باب انفتاح باب علمی شود. مثل محقق نائینی.
4. قائلین به اعتماد بر خبر صحیح اعلائی. قائلین به این مسلک اگر چه خود را انفتاحی بدانند ولی لازمه این قول یقینا انسداد باب علمی خواهد بود.
5. انسداد باب علمی و حجیت ظن مطلق کما علیه محقق القمی اعلی الله مقامه.

ما اگر چه با اساس بیان ایشان و مقدمات ایشان موافق بودیم اما نتوانستیم بپذیریم که ظنون از هر راهی که باشد و در هر حدی هم باشد می توانند مدرک حکم شرعی قرار بگیرند.

1. نظر شیخنا الانصاری اعلی الله مقامه که انسداد باب علمی را پذیرفت، اما به حجیت ظنون معتقد نشد بلکه احتیاط در مظنونات و مشکوکات را پیشنهاد فرمود. اینجا هم مباحثی داشتیم از جمله اشاره کردیم که این احتیاط در مظنونات و مشکوکات عسر وحرج است.
2. نظر محقق روحانی اعلی الله مقامه در منتقی الاصول که اصل انسداد را در باب علمی پذیرفت و فرمود احتیاط در روایات کتب معتبره می کنیم. به نظرم 11 تعلیقه هم بر ایشان داشتیم.

وقتی نتوانستیم با هیچ یک از نظریات فوق موافقت کنید نوبت می رسد به تبیین یک نظریه جدید. ما اسم این نظریه را انسداد باب علم و ظن خاص می دانیم به این معنا که ظنی بالخصوص دلیل حجیت داشته باشد ولی باب علم عرفی و ان شئت فقل اطمینان، آن هم اطمینانی مخصوص حالت اضطرار، اطمینان هم به وجود حجت اضطراری . این مقدمه اول.

مقدمه دوم؛ اینکه چه شد که ما کلمه اضطرار را به کار می بریم. مرادمان از اضطرار، اضطرار لغوی است. یعنی شرائط غیر عادی. دو سبب مهم باعث این اضطرار می شود:

1. این که ما الان دسترسی به حجت خدا، معصوم سلام الله علیه را نداریم. این خودش اضطرار افرین است.
2. آنچه که از تراث دست ماست،- نه آنچه که نازل شده است- نواقصی دارد و گفتیم بین شریعت نازله و شریعت موجوده عموم و خصوص من وجه است.

در توضیح این امر دوم عرض می کنیم:

1. مفصل در اینجا شواهدی ارائه شد که هم کتب روایی مفقود شده داریم و هم خود روایاتی که الان اصلا موجود نیست. حال اما در اثر مشکلاتی که دشمنان افریدند إما در اثر حوادث طبیعی و مرور زمان که بسیاری از این ها از دست رفته است و اما در اثر سهل انگاری ها. بالاخره الان به تعبیر شیخنا الانصاری با حالتی مواجه هستیم که ان چه که الان از دست ما رفته است بیشتر از ان چیزی است که در دست ما است.
2. اجمال و ابهامی در نصوص موجوده مشاهده می کنیم. إما در اثر اولا خلط نقل به معنا و نقل به مضمون. ثانیا تقطیع. ثالثا اشتباه در نقل و کتابت. رابعا تحریف عمدی به زیاده و نقیصه. خامسا به ضیاع قرائن حالیه و مقاله؛ سادسا به تقیه حال یا تقیه امام ، یا تقیه روات اولیه از امام، یا تقیه طبقات بعدی از روات
3. نکته سوم تعارض است؛ در تعارض توجه کنیم به این که:

1/ریشه برخی از تعارض ها همان تقیه است.

2/ در بعضی از تعارض هایی که مشاهده می کنیم، اطلاق ازمانی در یکی از دو ادله نیست. یعنی حکم اول محدود بوده است به یک زمانی.

3/ اینجا هم احتمال جعل و تزویر و تدلیس هست،

4/ لزوم توسعه علی الناس. ائمه گفتند به هر کدام که خواستید عمل کنید.

5/ برخی از این موارد حکم حکومتی است نه حکم الله اولی که ما تعارض می بینیم ولی بالاخره مائیم و تراثی که درش تعارض هست و انکار نمی توانیم بکنیم. این هم نکته دوم ما در توضیح مسلک اضطرار که خودش مطالب متفاوتی داشت.

اما مقدمه سوم؛

ما در عین آن که این همه مشکلات داریم باید استنباط کنیم در عین وجود اضطرار باید استنباط کنیم و یله و رها نیستیم. احتیاطی هم که در همه جا نتوانستیم بشویم. باید وارد عملیات استنباط بشویم. منتها عملیات استنباطی اضطراری. تکرار می کنم برای اینکه به حجتی برسیم که خاص حالت اضطرار است و الا اگر ما معصوم را داشتیم، یا اگر تراث ما این مشکلات را نداشت، ما هم انفتاحی می­شدیم. حتی می توانستیم مثل اقای اخباری ادعای انفتاح باب علم را بکنیم ولی این مشکلات هست.

با این سه مقدمه، راه پیشنهادی ما این است حال که هم انسداد کبیر را قائل شدیم. هم در خصوص علم رجال با توضیح مفصل انسداد صغیر را اوردیم برای این که به حجت مطلق ظنون قائل نشویم. این سیر را پیشنهاد می کنم:

1. تجمیع قرائن و شواهد در علم رجال و بسنده نکردن به توثیق و تضعیف علماء رجال؛ در اینجا پیشنهاد هایی داشتیم که بعدا باید در مباحث اینده بهش بپردازیم.
2. منبع شناسی کنیم در روایت. نمره به منابع بدهیم. این مقدار از فرمایش منتقی الاصول حرف درستی بود که بین کتب باید تفاوت گذاشت البته ما معنایش این نیست که روایات کتب ضعیف را کنار بگذاریم ولی نمره دارد.
3. باید روایات موجوده را چنان­که سال گشذته مفصل توضیح دادیم با روح قرآن کریم و سنت قطعیه بسنجیم و الا فلا. همه این ها در اثر اضطرار است.
4. جایگاه صحیحی برای­ استدلالت عقلی و سیر عقلائیه پیدا کنیم که این را پیدا کنیم و ان تفکیک بین امضائیات و تعبدیات و برای عقل وسیره عقلا در سیره عقلا جایگاهی قائل شویم.
5. شهرت بین قدماء. مرحوم آقای بروجردی خریط فن الفقاهت می گوید 500 مورد داریم که مشهور فتوا داده­اند ولی هیچ روایتی در کتب روایی نداریم. از این عبارت این بزرگ فقهاهت دو نکته ازش استفاده می شود؛ اولا یک بخش روایات ما الان در دست ما نیست والا حاشا و کلا که این بزرگان بدون روایت و منبع فتوا بدهند. ثانیا؛ فقیه نمی تواند خودش را مستغنی از فتاوای قدماء ببیند. در عملیات حالت اضطرار نیاز داریم. کسی به محضر مقدس حضرت اقای خویی عرض می کند کسی به شهرت نیاز ندارد که الان پیش امام نشسته باشد و حرف را از امام بشنود. این دیگر نیازی ندارد برود سراغ شهرت فقها. ولی ما که این نیستیم ما روایات منقوله از امام را داریم . بین درک حضور امام با روایات منقوله این همه تفاوت بود که عرض کردیم چطور باور کنیم 500 مورد قدما فتوا داده باشند بی وجه و بی دلیل. معلوم می شود یک سری مطلب بوده است که دست ما نرسیده است.

به این می گویند تجمیع قرائن در حالت اضطرار

حال من عبارتی را از سید مرتضی در الذریعه جلد 2، صفحه 602؛

معلومٌ ضرورةً انَّ شیوخ الامامیه و سلفهم فی تلک الزمان کانوا بطانة للصادق و الکاظم و الباقر علیهم السلام و ملازمین لهم و متمسکین بهم و مظهرین کل شیء یعتقدونه و ینتحلونه و یصححونه ... فمنهم طلقوه و منهم اخذوه فلو لم یکونوا عنهم بذلک راضین و علیه مقرین. لابو علیهم نسبة تلک المذاهب علیهم.

از عبارت سیدنا المرتضی استفاده می شود که ما یک اهل بطانه داریم مال زمان اهل بیت علیهم السلام. کمی جلوتر می آییم به یک اهل بطانه می رسیم که حلقه وصل ما هستند با ان بطانه که ان قدماء از اصحاب هستند و این تفاوت بین قدماء و متاخرین است. الغالب علی المتاخرین الاجتهاد و اجتهاد یک نفر به درد دیگری نمی خورد و الغالب علی القدماء الاعتماد علی الروایة و این ها چون نزدیک هستند به عصر روات. چیزهایی داشتند که الان دست من و شما نیست. باز تکرار می کنم بنده و حضرت عالی اگر الان در نزد امام بودیم اصلا نیاز به این حرف ها نداشتیم.

بعد از این مراحل که گذشت ما دو حالت پیدا می کنیم؛ یا اطمینان به حجت پیدا می کنیم یا نه. اگر پیدا کردیم فتوا می دهیم منتها همان طور که شیخ گفت فتوایی بر خواسته از اضطرار و اکل میته. این حالت اول. حالت دوم اطمینان پیدا نمی کنیم.

اطمینان پیدا نمی کنیم خودش دو حال دارد، یکی این که ظن پیدا می کنیم به مطلب در حد 51 تا 60 درصد مثلا به حد اطمینان عرفی نمی رسد. این جا جای احتیاط واجب است و زیاد هم نیست هم که به عسر و حرج بخورد. حال منبع این ظن هر چه می خواهد باشد ولی ابدی منبع عقلائی باشد. یک روایت ضعیفه یا یک فتوا.

دوم جایی که زیر 50 درصد احتمال بدهیم این جا جای احتیاط استحبابی است و این توضیح ما همه روایات را شامل می شود و باید دقت کنید و نمره سنجی کنید چه روایت کتب معتبره و چه غیر کتب معتبره. چه صحیحه السند و چه ضعیفة السند منتها نمره ها با یک دیگر متفاوت است. دو روایت را باید کنار بگذارید یک این که اطمینان به جعلش پیدا کنیم و دوم ان که نفهمیم که چه می خواهد بگوید این ها را از دور خارج میکنیم بقیه را از دور خارج می کنیم و لو نمره برای احتیاط استحبابی.

و اخر کلامنا این که این شیوه بر خلاف منتقی الاصول استحباب و کراهت را کنار نمی گذارد. روایات استحباب و کراهت را هم مطرح می کنیم. نمره می دهیم. اگر نمره قابل قبولی از حیث اعتبار گرفت فتوا به استحباب یا کراهت می دهیم. اگر نمره قابل قبولی نگرفت می رود به باب تسامح در ادله که ان جا چه مبنایی باید اخذ بکنیم.

این که در وهم احتیاط استحبابی است در غیر از دماء و فروج و اموال مردم است و الا انجا وهمش هم احتیاط وجوبی دارد.

این بحث بعد التیا و التی بحث تمام شد. فردا ان شاء الله تنبیهات انسداد را مطالعه کنید.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.